

حمایت از مقاومت در سیاست خارجی کشورهای شمال آفریقا و مؤلفه‌های

مؤثر بر آن (مطالعه موردی؛ سودان و الجزایر)

مصطفی قاسمی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هجدهم، شماره 4، پیاپی 72، زمستان 1396؛ صفحات 64-29

تاریخ دریافت: 1396/11/10 تاریخ پذیرش نهایی: 1396/11/30

چکیده

سیاست خارجی هر کشوری در نظام بین‌الملل، برآیند متغیرهایی در داخل و خارج از مرزهای آن کشور می‌باشد. در مورد کشورهای شمال آفریقا نیز این مهم قابل انطباق است. عمق فرهنگ ضد صهیونیستی در میان جوامع مسلمان شمال آفریقا و ریشه‌دار بودن فرهنگ مقاومت برخاسته از مبارزات ضد استعماری، باعث شده است توجه به مسئله فلسطین و گروه‌های مقاومت، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این جوامع و سیاست خارجی این کشورها باشد، اگرچه تأثیر برخی مؤلفه‌ها، آنها را از این مسیر دور نموده است. سؤال اصلی این است که موضع کشورهای شمال آفریقا (سودان و الجزایر) در مسئله حمایت از مقاومت و مؤلفه‌های مؤثر بر آن چه می‌باشد؟ با توجه به سؤال اصلی، هدف این نوشتار نیز بررسی مواضع، سیاست‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی کشورهای شمال آفریقا در حمایت از گروه‌ها و محور مقاومت می‌باشد. در این مقاله، سیاست خارجی کشورهای سودان و الجزایر به عنوان مورد مطالعاتی، بررسی خواهند شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به رغم عمیق بودن فرهنگ ضد صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در کشورهای شمال آفریقا، به میزانی که این کشورها ضعف و وابستگی اقتصادی دارند به همان میزان، سیاست خارجی آنها در عرصه‌های مختلف به‌ویژه حمایت از محور مقاومت، متغیر است. در این مقاله تلاش می‌شود با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع الکترونیکی، سؤال این مقاله پاسخ داده شود.

واژگان کلیدی

شمال آفریقا، سیاست خارجی، الجزایر، سودان، گروه‌های مقاومت، محور مقاومت

* دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل و پژوهشگر حوزه شمال آفریقا

هر چند منطقه شمال آفریقا از نظر جغرافیایی از منطقه خاورمیانه جدا افتاده است و جزیی از قاره آفریقا به شمار می‌آید، اما وجود دین اسلام، مسئله فلسطین و عربیت، پیوندهای نزدیکی میان این منطقه و خاورمیانه ایجاد کرده و باعث شده است از کل این مجموعه با عنوان «خاورمیانه و شمال آفریقا» نام برده شود. کشورهای شمال آفریقا شامل مصر، سودان، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش می‌شود.

مسئله حمایت از محور مقاومت به ویژه گروه‌های مقاومت فلسطینی در برابر رژیم صهیونیستی، یکی از اساسی‌ترین مسائل مورد توجه جوامع این کشورها بوده است. بسیاری از این کشورها نه تنها از گروه‌های مقاومت در عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک حمایت کرده‌اند بلکه به صورت عملی نیز پذیرای گروه‌های مقاومت فلسطینی در خاک خود بوده و تا حد امکان از حمایت‌های مالی و دفاعی از این گروه‌ها نیز دریغ ننموده‌اند. سودان، یکی از این کشورها می‌باشد که تا سال 2016 همواره در این مسیر قدم برمی‌داشت و هزینه‌های زیادی نیز بابت این مسئله پرداخت نموده است.¹ با اینکه سودان، ظرفیت‌های اجتماعی و سیاسی مناسبی در حمایت از مقاومت داشته و دارد اما موانع و پسرانهای نیز وجود دارد که باعث شده است تا کشوری مثل سودان از این مسیر دور شود. در مقابل، الجزایر به رغم فشارهای موجود بر این کشور، همواره تلاش نموده است سیاست نسبتاً مستقلی از کشورهای عرب سازشگر منطقه داشته باشد و این مسئله را در سیاست‌های اتخاذی خود در قبال تحولات منطقه نشان داده است.

با توجه به پیشگام بودن جمهوری اسلامی در مسئله محور مقاومت و اهمیت توجه به کشورهایی که همواره حامی مقاومت بوده‌اند، بررسی سیاست خارجی کشورهای شمال آفریقا در قبال مسئله مقاومت و مؤلفه‌های مؤثر بر استمرار یا تغییر رویکرد آنها در حمایت از گروه‌ها و کشورهای محور مقاومت، ضرورت و

1. اما در سال‌های اخیر، شاهد تغییر رویکرد این کشور نسبت به گروه‌های و محور مقاومت می‌باشیم.



اهمیت توجه به این مسئله را دوچندان کرده است.

1. مفهوم‌شناسی مقاومت

موضوع مقاومت، جبهه و محور مقاومت، واژه‌هایی هستند که برداشت‌های وسیعی می‌توان از آن داشت. در وهله اول، وقتی از جبهه مقاومت سخن به میان می‌آید، گزاره واحدی در ذهن ایجاد نمی‌شود. جبهه مقاومت می‌تواند سطوح مختلف کنشگری را درون خود داشته باشد. سطح اول و بالاترین سطح، «عضویت در جبهه مقاومت» است که کنشگری جمهوری اسلامی ایران در این سطح قابل تعریف است. سطح دوم به «حمایت از جبهه مقاومت» اختصاص دارد که می‌تواند به صورت حمایت معنوی، سیاسی یا رسانه‌ای باشد. سومین سطح، «روابط سیاسی نزدیک با جبهه مقاومت چه از لحاظ حکومتی و چه از لحاظ جمعیتی و اجتماعی» است. سطح چهارم، «رد مشروعیت رژیم صهیونیستی» است. پنجمین و پایین‌ترین سطح کنشگری در جبهه مقاومت، «مخالفت سیاسی با رژیم صهیونیستی و نداشتن رابطه با این رژیم جعلی» است.

سطوح کنشگری در جبهه مقاومت

عضویت در جبهه مقاومت

حمایت از گروه‌ها و جبهه مقاومت
(حمایت معنوی، سیاسی یا رسانه‌ای)

روابط سیاسی نزدیک با جبهه مقاومت
(از لحاظ حکومتی و اجتماعی)

رد مشروعیت رژیم صهیونیستی

مخالفت سیاسی با رژیم صهیونیستی و رابطه نداشتن
با این رژیم



علاوه بر سطوح متفاوت کنشگری در جبهه مقاومت، شاخص‌های جبهه مقاومت نیز باید مشخص شود؛ شاخص‌هایی که سبب می‌شود تا کشورها را در زمره حامیان یا اعضای محور (جبهه) مقاومت تلقی کنیم. در این زمینه، می‌توان به شاخص‌هایی چون اسلام‌خواهی و انقلابی‌گری، ضداستکبار بودن، ضد صهیونیسم، ضداارتجاع بودن، دفاع از فلسطینی‌ها و آزادی سرزمین فلسطین، مخالفت با گروه‌های تکفیری و دفاع از جریان‌هایی مانند حزب‌الله و ... اشاره کرد. این شاخص‌ها در هر دو سطح رسمی و حکومت‌ها و حوزه اجتماعی و ملت‌ها قابل بررسی است. (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 1395) با توجه به این شاخص‌ها می‌توان برخی از کشورها همچون الجزایر را به دلیل برخورداری از سطحی از کنش‌گری و داشتن برخی شاخص‌های مطرح شده، در زمره حامیان مقاومت برشمرد. شاخص‌هایی که سودان نیز از آن در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی برخوردار بود اما طی سال‌های اخیر، به دلیل چالش‌هایی که سودان با آن مواجه است، کمرنگ شده است.

2. سیاست خارجی سودان در قبال گروه‌ها و کشورهای محور مقاومت

سودان، یکی از کشورهای حامی مقاومت طی دو دهه اخیر بوده است. سودان علاوه بر حمایت از گروه‌های مقاومت فلسطینی، با جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان مهم‌ترین کشور عضو محور مقاومت، رابطه داشته است، اما طی سال‌های اخیر ناگزیر شد تا همراهی با سیاست‌های عربستان را بر استمرار حمایت از گروه‌های مقاومت و رابطه با جمهوری اسلامی ایران ترجیح دهد.

2-1. سیاست خارجی سودان در قبال گروه‌های مقاومت فلسطینی

توجه به مسئله فلسطین از جمله مسائل مورد توجه در سیاست خارجی سودان به شمار می‌رود. این کشور از جمله کشورهای شرکت‌کننده در جنگ 1967 اعراب و اسرائیل برای شکست اسرائیل و جلوگیری از اشغال سرزمین‌های



فلسطینی بود. هرچند سودانِ دوران سرهنگ نمیری که با کودتای سال 1969 روی کار آمده بود، حامی قرارداد کمپ دیوید شد، اما پس از دوران نمیری و در دوران کودتای یک ساله سوار الذهب، سپس دولت احمد میرغنی و نخست‌وزیری صادق‌المهدی و سپس قدرت‌گیری ژنرال عمر البشیر، به عنوان مدافع آرمان فلسطین به ایفای نقش پرداخت.

برجسته‌ترین مواضع سیاست خارجی سودان در قبال مسئله فلسطین در دوران حکومت عمرالبشیر نمود می‌یابد. کودتای 15 نفر از نظامیان ارتش سودان به رهبری عمر حسن احمد البشیر در 30 ژوئن 1989 علیه دولت صادق‌المهدی، سیاست خارجی سودان را دگرگون کرد. فاصله گرفتن سودان از متحدان سنتی غربی در این زمان آغاز شد و بسیاری از کشورهای عربی از جمله مصر، لیبی، عربستان و جمهوری یمن، بی‌درنگ حکومت نظامیان را به عنوان دولت مشروع سودان به رسمیت شناختند.

نخستین نمود فاصله گرفتن سودان از متحدان سنتی غربی، به طور طبیعی در روابط سودان و رژیم صهیونیستی آشکار شد. عمرالبشیر، سیاستمدار نظامی که خود را نزدیک به اسلام‌گرایان اخوانی معرفی می‌کرد، کشوری به نام اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناخت. البشیر در سال دوم و سوم قدرت‌گیری و با همکاری و حمایت حسن الترابی، رهبر اخوان‌المسلمین سودان، سلسله کنفرانس‌هایی را با دعوت از رهبران جنبش‌های جهادی فلسطین از جمله حماس و جنبش جهاد اسلامی و مقاومت لبنان برگزار کرد. (Sudan - Foreign Relations, 2014)

در سند معرفی سیاست خارجی سودان که در وب سایت وزارت امور خارجه جمهوری سودان منتشر شده است، در کنار توجه به اهداف و چشم‌انداز سیاست خارجی سودان، بر این موضوع تأکید شده است که سودان، قاطعانه از حل مسائل جهان عرب حمایت می‌کند و حل این مسائل، تنها در چارچوب حل مسئله فلسطین صورت خواهد گرفت. همچنین در ادامه این سند گفته شده است در

دوره‌ای که سودان، ریاست اتحادیه عرب را برعهده داشت، فعالانه در جهت حل مسائل داخلی کشورهای عربی از جمله اختلافات گروه‌های فلسطینی و همچنین لبنانی تلاش می‌کرد.

مهم‌ترین و عمده‌ترین پیوند سیاسی دولت البشیر، پیوند با جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در نوار غزه بوده است. این پیوند، تنها براساس رویکردها و جهت‌گیری‌های حماس نسبت به مسئله فلسطین و مقاومت نبوده، بلکه آن‌چه نزدیکی و اتحاد دولت البشیر را با حماس در مقایسه با دیگر جنبش‌ها و احزاب فلسطینی رقم زده است فراتر از مواضع سیاسی و ریشه در گرایش‌های اخوانی مشترک هر دو طرف نیز داشته است. حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، به عنوان حزب سیاسی اخوان‌المسلمین در فلسطین و «حزب کنگره ملی»، حزب مسلط سودان به رهبری عمر البشیر، نماینده سازمان اخوان‌المسلمین در سودان شناخته می‌شوند. (Muslih, 2017:33) به قدرت رسیدن البشیر در سال 1989، دو سال پس از تأسیس حماس در نوار غزه بوده است. در سال 1987، حماس به رهبری مؤسسان اولیه خود شیخ احمد یاسین، عادل عزیز الرتیسی و محمود الزهار اعلام موجودیت کرده بود.

با وجود رویکرد اولیه البشیر به حماس در 1989 تا 2000، وی نگاهی فراگیر و همه شمول به جریان‌های فلسطینی را دنبال می‌کرد. (State Dept, 2016) این موضوع به دلیل نفوذ و جایگاه برجسته‌ای بود که حسن الترابی، از چهره‌های اخوانی سودان و رهبر معنوی دولت البشیر به مسئله فلسطین داشت. حسن الترابی، به عنوان شخصی با نفوذ دولت البشیر و از اعضای فعال و برجسته اخوان‌المسلمین سودان، بیش از آن که حمایت‌های خود را متوجه تنها گروه‌های مشخصی از فلسطین نماید، سعی در حمایت از گروه‌های متنوعی از فلسطینی‌ها داشت. حسن الترابی، به دنبال تبدیل سودان به مرکز یک دولت فرامرزی اسلامی بود و با همه فعالان گروه‌های اسلامی اعم از تندرو و میانه‌رو رابطه داشت. روابط دولت البشیر با



حماس در زمان قدرت الترابی، محکم و قوی بود ولی با کنار رفتن حسن الترابی، البشیر روابط خود را بیش از پیش با حماس متمرکز کرد.

تا پیش از تغییر سیاست خارجی سودان نسبت به جریان‌های مقاومت در منطقه، جنبش جهاد اسلامی فلسطین، اولویت بعدی دولت البشیر برای حمایت از جریان‌های مقاومت فلسطینی بود. جهاد اسلامی نیز به مانند حماس، مرکز نمایندگی و دفتر رسمی در خارطوم داشت. رهبران و اعضای جنبش جهاد اسلامی با مقامات دولت البشیر به راحتی صورت می‌گرفت و اعضای جهاد اسلامی بارها حمایت سودان را از مسئله فلسطین ستوده بودند. (عموی، 1395)

روابط دولت البشیر با تشکیلات خودگردان نیز در زمان پشتیبانی سودان از جریان‌های مقاومت حماس و جهاد اسلامی، گرم و نزدیک ارزیابی می‌شد. اعلام حکم بازداشت عمر البشیر توسط دادگاه بین‌المللی لاهه، واکنش تند همه گروه‌های فلسطینی را به همراه داشت. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان در کمتر از یک ماه پس از اعلام این حکم و در جریان کنفرانس سران عرب در دوحه قطر اعلام کرد: «ما باید تصمیم قاطعی را علیه حکم دادگاه بین‌المللی درباره برادرمان، عمرالبشیر، رئیس‌جمهور سودان اتخاذ کنیم.» (Peretz, 2009) در اثنای برگزاری اجلاس سران اتحادیه عرب در دوحه قطر که ریاست آن را تشکیلات خودگردان فلسطین برعهده داشت، فلسطین پیشنهاد کرد همه اعضای اتحادیه عرب در واکنش به اعلام حکم تحت تعقیب بودن رئیس‌جمهور سودان به صورت دسته جمعی از دادگاه بین‌المللی خارج شوند که با وجود استقبال اولیه، اما تا کنون هیچ‌گاه عملی نشده است. (Herzberg, 2010) در مجموع، دولت عمرالبشیر تا سال 2016، مواضع بسیار روشنی در قبال گروه‌های مقاومت فلسطینی داشت و در عرصه‌های مختلف از این گروه‌ها پشتیبانی می‌کرد.

با توجه جایگاه محوری ایران در حمایت از کشورها و گروه‌های مقاومت، حکومت سودان نیز همکاری خوبی با جمهوری اسلامی در زمینه‌های یادشده

داشت به طوری که سودان در زمره کشورهای حامی مقاومت به شمار می‌رفت. اما از 2016، شاهد تغییراتی در سیاست خارجی سودان نسبت به جمهوری اسلامی ایران بوده‌ایم. ماهیت این تغییرات، بیانگر کاهش حمایت سودان از گروه‌ها و کشورهای محور مقاومت بوده است.

2-2. تغییر رویکرد سیاست خارجی سودان نسبت به گروه‌های مقاومت

به رغم روابط مستحکم و دیرینه سودان با گروه‌های مقاومت فلسطینی، نخستین نشانه‌های تغییر در رویکردهای سیاست خارجی سودان را می‌توان در جریان سفر عمرالبشیر به امارات متحده عربی در اوایل سال 2015 و پس از آن دنبال کرد. امارات از سرسخت‌ترین مخالفان جنبش‌های اخوانی به شمار می‌رود و سفر عمرالبشیر به عنوان قدیمی‌ترین دولت اخوانی منطقه به امارات در نگاه‌های نخست به عنوان تغییر تاکتیکی در رویکردهای سودان تعبیر شد. اعلام مواضع متناقض با گذشته از سوی مقامات سودانی، نشان از تغییرات جدید استراتژیک در سیاست خارجی سودان داشت. عمرالبشیر در جریان این سفر و در پاسخ به سؤالی در مورد سفر به کشوری که اخوان‌المسلمین را یک گروه تروریستی معرفی می‌کند، گفت: «هر کشوری برای تأمین امنیت و ثبات خود ممکن است اقداماتی را انجام دهد.» همزمان با سفر عمرالبشیر به امارات، ابوظبی اعلام کرد که 900 میلیون دلاری را برای ساخت دو سد در سودان سرمایه‌گذاری می‌کند.

(The New Arab, 2015)

عمرالبشیر کمتر از سه ماه پس از سفر به امارات، سفر رسمی خود را به ریاض، پایتخت مخالف سنتی خود آغاز کرد. این سفر، شکی برای کارشناسان باقی نگذاشت که سودان در حال گذار به مراحل جدیدی در سیاست خارجی خود می‌باشد. با این حال، سودان از مدت‌ها پیش از این سفرها و علنی کردن تغییرات در رویکردهای سیاست خارجی خود، تردیدش را در ارتباط با حمایت از جریان‌های مقاومت اعلام کرده بود. علی‌کرتی، وزیر امور خارجه سودان



پیشتر اعلام کرده بود که کشورش مجبور است میان ایران و دولت‌های خلیج فارس، یکی را انتخاب کند. پس از این سخنان، دفتر فرهنگی ایران در خارطوم در سپتامبر 2014 تعطیل و گرایش سودان به فاصله گرفتن از ایران به عنوان اصلی‌ترین حامی جریان‌های مقاومت، آشکار شد. بلافاصله پس از تعطیلی دفتر فرهنگی ایران در خارطوم، دولت‌های عربی خلیج فارس، آمادگی خود را برای سرمایه‌گذاری در سودان و همچنین رفع ممنوعیت‌های مبادلات بانکی اعلام کردند. (Sudan's foreign policy, 2015)

اگرچه در بعد داخلی، مخالفت با رژیم صهیونیستی و به رسمیت نشناختن آن و نیز تأکید بر حقوق مردم فلسطین از گذشته در سودان انجام شده و می‌شود، اما سودانی‌ها از چند سال قبل، ناچار شدند تعدیل‌های قابل ملاحظه‌ای را در بعد خارجی (از جمله درباره فلسطین) و برای کاهش تنش بین خود و کشورهای عربی، امریکا و اروپا انجام دهند. عمر البشیر به صراحت گفت: «ما در روند صلح خاورمیانه و در موضوع فلسطین، خارج از چارچوب تصمیمات اتحادیه عرب عمل نخواهیم کرد.» (عموی، 1395)

براساس اسنادی که ویکی لیکس منتشر کرده است، فاصله‌گیری سودان از گروه‌های مقاومت فلسطینی مشهود است. براساس متن یکی از اسناد، عربستان سعودی با اعلام حمایت کامل خود از سودان در نزاع مرزی این کشور با مصر، کمک‌های اقتصادی و سیاسی ریاض به سودان را وعده داده و از طرف مقابل، خارطوم ضمانت هماهنگی کامل درباره سیاست‌های مربوط به گروه‌های مقاومت فلسطینی را به عربستان داده است. (ویکیلیکس، 1394)

2-3. تغییر رویکرد سودان در قبال جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین مصداق تغییر رویکرد سیاست خارجی سودان در قبال محور مقاومت را باید در قطع روابط آن با جمهوری اسلامی و همراهی کردن با نقطه مقابل محور

مقاومت یعنی محور سازش به رهبری عربستان سعودی دید. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار حکومت جمهوری اسلامی، ایران سیاست خارجی خود را مستقل و خارج از راهبردها و رویکردهای بلوک شرق و غرب، تعریف و دنبال کرد و در این راستا همکاری و مشارکت با حکومت‌های منطقه به منظور ایجاد ترتیبات سیاسی و امنیتی جدید را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد. جمهوری اسلامی ایران در راستای حمایت از جنبش‌های اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان (اصل سوم قانون اساسی)، طرفدار پیاده‌سازی الگوی دولت اسلام‌گرا در کشورهای مستعد منطقه بود. از این رو اعلام شناسایی و حمایت از به قدرت رسیدن حکومت اسلام‌گرای جبهه قومی اسلامی سودان در سال 1989 (که در ادامه به حزب کنگره ملی تغییر نام یافت) را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق بارز رویکرد جدید جمهوری اسلامی دانست.

اتخاذ مواضع ضد اسرائیلی از سوی دولت سودان، حاکم شدن یک الگوی اسلامی در سودان و تلاش جمهوری اسلامی برای گسترش این مدل حکومتی در شمال و شرق آفریقا، در کنار شباهت نسبی موضع دو کشور در قبال تحولات منطقه، باعث شده بود که جمهوری اسلامی احساس همسویی بیشتری با کشور سودان داشته باشد و در معادلات سیاست خارجی خود، اولویت بالایی برای سودان فائل باشد. (Sudan - Iran Relations, 2014)

گسترش روابط دفاعی - امنیتی، سیاسی، فرهنگی و ... ایران و سودان، موجب نگرانی برخی کشورهای عربی منطقه و رژیم صهیونیستی شد. این روابط نزدیک، بیشتر به خاطر مواضع مشترکی بود که در مواردی همچون مسئله فلسطین و نقش اشغال‌گری رژیم صهیونیستی وجود داشت. با وجود این روابط گسترده، دولت سودان با تعطیلی تمام مراکز فرهنگی ایران در خارطوم و سایر استان‌ها در 10 شهریورماه 1393، شوک بزرگی به محافل سیاسی وارد کرد. روابط ایران و سودان به دلیل حمایت خارطوم از سیاست‌های عربستان در سال 1394 به طور



کامل قطع شد. (Sudan severs....,2016) برخی، دلیل اعلامی سودان را پذیرفته و آن را نشانه خروج سودان از جبهه مقاومت و مخالفت با ایران دانستند. سودان از آن زمان تاکنون، سیاست خارجی خود را در جهت دور شدن از محور مقاومت و نزدیکی هرچه بیشتر به محور سازش و در رأس آنها عربستان سعودی تعریف کرده است.

این اقدام سودان، سؤالاتی را در ذهن تحلیل‌گران پدید آورده که چه مؤلفه یا عواملی در تغییر این رویکرد سیاست خارجی سودان نقش اصلی را بازی کرده است؟

2.4. عوامل مؤثر بر تغییر رویکرد سیاست خارجی سودان در قبال گروه‌ها و محور مقاومت وجود فرهنگ عمیق ضد صهیونیستی در میان مردم سودان، اشتراکات ایدئولوژیک و فکری رهبران سودان با برخی از گروه‌های مقاومت در فلسطین، نگاه ضد غربی مردم و بسیاری از مقامات سودانی، وجود فرهنگ تصوف و نزدیکی آن با تشیع و ضدیت با وهابیت از جمله پیش‌رانهای مؤثر بر حمایت سودان از گروه‌ها و محور مقاومت طی دو دهه گذشته بوده است. به رغم این ظرفیت‌ها، شاهد تغییر رویکرد سودان نسبت به گروه‌ها و کشورهای عضو مقاومت در سال‌های اخیر می‌باشیم. اگرچه عواملی چون تلاش برای رهایی از بحران‌های موجود در این کشور از جمله بحران دارفور، فرار از اتهام حمایت از تروریسم و عبور از شرایط آشوب‌زده منطقه بعد از تحولات جهان عرب (2011) در این تغییر رویکرد دخیل می‌باشند، اما عوامل اقتصادی به عنوان عوامل زیربنایی این موضوع، حایز اهمیت بیشتری است.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های سودان، چالش اقتصادی است که دولت را در تنگنا قرار داده است. جنگ‌های داخلی، ویژگی‌های بد آب و هوایی، پایین بودن ارزش کالاهای تولیدی در بازار جهانی و سیاست‌های نادرست اقتصادی از عمده دلایل ضعف اقتصاد سودان به شمار می‌رود. تولید ناخالص داخلی سودان بعد از جدایی جنوب، به 58 میلیارد دلار کاهش یافته است. نیروی کار این کشور، هفت میلیون و

415 هزار نفر است. 21/7 درصد از جمعیت در سن کار این کشور بیکار هستند و بیش از 40 درصد از مردم آن زیر خط فقر هستند. (Factbook, 2016) از لحاظ منابع و امکانات کشاورزی نیز سودان در موقعیت مساعدی به لحاظ اقلیمی قرار ندارد. سودان که 22 سال درگیر جنگ با گروه‌های شورشی بود، پس از جداسدن جنوب سودان، حدود 75 درصد درآمد نفتی خود را از دست داد و این مسئله فشار زیادی بر اقتصاد سودان وارد آورد. (البنک الدولی ینصح السودان، 2016) علاوه بر این، بخشی از درآمدی که سودان از طریق دریافت عوارض انتقال نفت جنوب از این کشور دریافت می‌کرد نیز به دلیل آشوب‌های داخلی سودان جنوبی از دست رفت.

علاوه بر مشکلات ساختاری داخلی، سودان طی دو دهه گذشته از جانب آمریکا و هم‌پیمانان آن نیز تحت فشار و انزوای سیاسی و تحریم قرار داشته است. نزدیکی دولت البشیر به جریان‌های ضد صهیونیستی و ضد اسرائیلی در دهه 1990 باعث شد تا ایالات متحده از سال 1993، دولت البشیر را در فهرست دولت‌های حامی تروریست قرار دهد و از سال 1997 نیز نخستین تحریم‌های بین‌المللی خود را علیه دولت البشیر اعمال کند. تحولات پس از حوادث 11 سپتامبر و حضور بن لادن در سودان در سال‌های قبل از 2000 باعث شد تا توجه و تمرکز آمریکا بر این کشور بیشتر شود و نسبت به تحولاتی که در این کشور اتفاق افتاد بی‌تفاوت نباشد. (US Sanctions, 2016)

فتنه‌انگیزی آمریکا و اسرائیل به مدت 20 سال بین جنوب و شمال سودان موجب شد تا «توافقنامه نیفاشا» میان آنان امضا شود که براساس آن، سودان جنوبی در 2011 از سودان جدا شد. جنوب سودان، منطقه‌ای است که ثروت‌های مهم نفتی را در خود دارد. پس از امضای توافقنامه صلح جنوب، «بحران دارفور» شکل گرفت و آمریکا به همراه فرانسه و شمار دیگری از کشورهای غربی تلاش کردند با ادعای اقدام دولت عمر البشیر در کشتار دسته‌جمعی برخی از گروه‌های



درگیر در دارفور، جامعه بین‌المللی را بر ضد دولت سودان برانگیزانند. (بررسی تحولات، چالش‌ها و...، 1393: 18-25)

سودان در مقابل این فشارها، تلاش مستمری را برای عادی‌سازی روابط خود با ایالات متحده دنبال کرد. این تلاش‌ها با هدف رفع تحریم‌هایی بود که ایالات متحده علیه این کشور اعمال کرده بود. با وجود تغییر دولت‌ها در آمریکا، همچنان این تحریم‌ها تداوم داشته است. تلاش سودان برای نزدیکی به آمریکا در جریان اعلام آمادگی سودان برای همکاری با ایالات متحده، خود را در جنگ با تروریسم به خوبی نشان داد. (خبرگزاری فارس، 1395/10/26) اما این تلاش‌ها تا اواخر روزهای ریاست‌جمهوری اوباما منجر به رفع تحریم‌های ایالات متحده علیه سودان نشد (تابناک، 1395) و اقتصاد سودان آسیب‌پذیرتر از گذشته شد.

در کنار فشارهای آمریکا و غرب، فشار کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران و نماینده پیشبرد سیاست‌های آمریکا در جهان عرب، تأثیر زیادی در تغییر رویکرد سودان در سیاست خارجی داشت. عربستان سعودی از بازیگران مهم منطقه‌ای است که از نفوذ فراوانی در بسیاری از کشورهای آفریقایی برخوردار است. حجم سرمایه‌گذاری‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در سودان، بیش از 50 درصد از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در این کشور را تشکیل می‌دهد. حوزه کشاورزی و معادن، مهم‌ترین بخش‌هایی است که سعودی‌ها در آن سرمایه‌گذاری کرده‌اند. عربستان همچنین یکی از اصلی‌ترین کشورهای است که در صندوق عربی، نقش حامی سودان را ایفا کرده و از طلبکاران عمده سودان می‌باشد. (الخلیج یتجه إلی السودان، 2016) از دیگر دلایل اثرگذار عربستان بر اقتصاد سودان، وجود نیروی کار مهاجر سودان در این کشور است. (السعودیه.. سودانیون خائفون من الترحیل، 2013). عربستان سعودی علاوه بر سرمایه‌گذاری، سرمایه‌هایی را نیز در قالب مساعدت به سودان ارسال می‌کند که از طریق آنها به نفوذ خود در این کشور می‌افزاید زیرا این مساعدت‌ها



باعث گسترش و تعمیق روابط سازمان‌ها و نهادها و عناصر کشور کمک‌کننده با سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی کشور دریافت‌کننده می‌شود. عربستان در طول سالیان، از طریق سازمان‌های خود به ویژه «صلیب سرخ سعودی»¹ با به کارگیری مؤسسات و نهادهای فرهنگی و عمرانی آن کشور، هماهنگ با سفارت عربستان و آژانس‌های محلی مرتبط، از حضور گسترده‌ای در سودان برخوردار شده است. چنین حضوری، این توان را به سازمان‌ها و نهادهای سعودی داده است که بتوانند روابط عمیقی را در بخش‌های حکومتی و مردمی به‌ویژه در بخش‌های دینی و فرهنگی سازماندهی کنند.

عربستان و صهیونیست‌ها دریافته بودند که به رغم مواضع ضد صهیونیستی و حمایت از گروه‌های مقاومت در کشور سودان، ظرفیت‌های عملی این کشور در این عرصه، محدود و آسیب‌پذیر است و می‌تواند پایه‌های ارتباطی گروه‌های مقاومت فلسطینی و جمهوری اسلامی با سودان را تضعیف کند. عربستان با این نگاه، بدون ایجاد حساسیت و با ورود به زیرساخت‌ها روی رفتار داخلی و خارجی سودان تأثیرگذار بود. آثار این اقدامات را در سال‌های اخیر می‌توان در تحرکات عربستان در سودان پیگیری کرد. مهم‌ترین مشکل سودان، مشکلات اقتصادی بوده است. عربستان از همان ابتدا تلاش کرد از نقاط ضعف اقتصادی سودان استفاده کند بنابراین به تدریج در قالب طرح‌های مختلف و سرمایه‌گذاری‌های محدود از جمله در حوزه کشاورزی و دام وارد سودان شد و حتی یکی از خریداران و مشتریان دائمی دام‌های سودان در ایام حج شد. به این ترتیب، وابستگی‌های اقتصادی سودان به عربستان به تدریج ایجاد شد. حجم سرمایه‌گذاری خارجی عربستان در سودان بیش از 13 میلیارد دلار است و به گفته «احمد شاور»، دبیر کل دفتر سرمایه‌گذاری سودان، عربستان اکنون شریک اول تجاری کشور می‌باشد. (اسدی، 1393)

1. The Saudi Red Crescent

عربستان، همسنگ با فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در سودان، نسبت به توسعه نفوذ و حضور فرهنگی خود نیز اقدام کرده است. تا 10 سال پیش، تفکر سلفی وهابی و تکفیری در سودان مجال عرض اندام نمی‌یافت و فعالیت‌های آنان در جامعه سودان، نمود آشکار و علنی نداشت. اما امروزه از قِبل حمایت‌های بی‌دریغ سفارت و نهادهای عربستان توانسته است حضور خود را در سطح وسیعی در فضای فرهنگی سودان تحمیل کند. عربستان به همان نسبتی که در حوزه اقتصادی سودان وارد شد، به همان نسبت در حوزه فرهنگی در سودان فرصت ایجاد کرد. امروزه، حضور فرهنگی عربستان و وهابیت و تفکر تکفیری در سودان نهادمند شده است و مراکز متعددی در سودان توسط دلارهای عربستان تأسیس شده است. ساخت مساجد و مراکز فرهنگی و آموزشی به دست عربستان به ویژه در خارطوم و تربیت ائمه جمعه و جماعات و مبلغ و به کارگماشتن آنها در این مراکز، تطمیع افراد رسانه‌ای، تسلط فکری بر بعضی مطبوعات از طریق کمک مادی به آنها و نظایر آن، نتیجه ذاتی تحرکات اقتصادی عربستان در این کشور بوده است. لذا به رغم برخورداری جامعه سودان از ساختارهای ریشه‌دار طرق صوفیه، اما در طول یک دهه اخیر، بسترها و زمینه‌های اولیه برای شکل‌گیری جبهه فرهنگی و فکری مخالف و مغایر با بافت و بنیادهای اجتماعی و فرهنگی جامعه سودان فراهم شده است.

عربستان با ورود و سوار شدن بر امواج نیازمندی‌های اقتصادی سودان، همزمان تلاش متبخرانه‌ای برای کاشتن بذره‌های فکری و فرهنگی و انحرافی و سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه برای رشد و به بار نشاندن فعالیت‌ها در این عرصه داشته است. با توجه به وابستگی اقتصادی سودان به کمک‌های خارجی به ویژه کمک‌های عربستان و نفوذ فرهنگی این کشور طی سال‌های اخیر در سودان، عربستان سعودی در مارس 2014، تعاملات بانکی خود را با سودان قطع کرد تا 50 درصد از درآمد بانکی سودان از این راه کاهش یابد. برخی کارشناسان، این

اقدام ریاض را به عنوان تنبیهی علیه سودان تفسیر کردند تا آن را از ایران دور سازد. عربستان با درک چنین نقاط ضعفی در سودان، به حدی در روابط خود با این کشور موضع تندی اتخاذ کرد که وقتی عمر البشیر تصمیم داشت تا برای شرکت در مراسم تحلیف دکتر روحانی به تهران بیاید، به هواپیمای او اجازه عبور از آسمان کشورش را نداد و او نتوانست در تهران حاضر شود. بعد از اینکه سودان تحت فشارهای عربستان و نیازهای اقتصادی به این کشور، مراکز فرهنگی ایران در سودان را بست، ملک عبدالله پادشاه سعودی، دستور گسترش روابط اقتصادی عربستان را با سودان صادر کرد.

ضعف ساختاری اقتصاد سودان، وابستگی شدید این اقتصاد به کمک‌های مالی خارجی به ویژه عربستان و فشار تحریم‌های غرب و عرب علیه سودان، شرایط بحرانی را برای اقتصاد سودان رقم زد که دولت را مواجه با آشوب‌های داخلی کرد به طوری که دولت البشیر را تا مرز ورشکستگی کامل سیاسی و اقتصادی پیش برد و عمر البشیر را بیش از پیش، متوجه دریافت کمک‌های خارجی از عربستان؛ رقیب منطقه‌ای ایران و راس محور سازش کرد. مجموع این شرایط که همزمان با اعلام نیاز عربستان سعودی به اعزام نیروی زمینی در تهاجم به یمن در آوریل 2015 بود، سودان را ترغیب به دریافت کمک‌های مالی از عربستان سعودی در ازای اعزام نیرو به جبهه تهاجم به یمن کرد. (Guardian Africa network, 2016)

نزدیکی به عربستان سعودی به همان میزان که سودان را از ایران دور کرده، شرایط برقراری رابطه سودان را با رژیم صهیونیستی و غرب مهیا ساخته است زیرا آمریکا شرط گسترش روابط با سودان و برداشتن کامل تحریم‌های سودان را شناسایی رژیم صهیونیستی از طرف سودان اعلام کرده است. عربستان، حلقه واسط بین سودان با رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌باشد. طی روزهای آخر ریاست جمهوری اوباما اعلام شد که برخی از تحریم‌های آمریکا علیه سودان برداشته شده است. بلافاصله بعد از این اتفاق، مقامات سودانی از نقش عربستان



برای کاهش تحریم‌ها علیه سودان تشکر کردند. (خبرگزاری فارس، 95/10/25)

عربستان و غرب با این شیوه رفتاری با سودان، در صدد ارایه الگویی برای سایر کشورهای جهان اسلام و حامی مقاومت هستند؛ الگویی که نشان می‌دهد کشوری که حامی گروه‌های مقاومت فلسطینی و محور مقاومت باشد، با انبوهی از فشارهای اقتصادی روبه‌رو خواهد شد و بالعکس، کشوری که از گروه‌های مقاومت فلسطینی فاصله گیرد یا مواضع آن در چارچوب سیاست‌های عربستان در منطقه باشد و از جمهوری اسلامی به عنوان رقیب منطقه‌ای عربستان و مهم‌ترین کشور محور مقاومت دور شود، ضمن اینکه از مشوق‌های غرب برخوردار خواهد شد، از دلارهای کشورهای مرتجع عربی نیز بهره خواهد برد. (خبرگزاری فارس، 95/11/1) بر این اساس، اعلام غیررسمی امکان عادی‌سازی رابطه سودان و رژیم صهیونیستی هم نشان از تلاش سودان برای حل چالش‌های روابط خود با آمریکا دارد و هم متأثر از تلاش دولت البشیر برای نزدیکی به عربستان سعودی و دریافت کمک‌های مالی از این کشور می‌باشد.

3. سیاست الجزایر در قبال گروه‌ها و کشورهای حوزه مقاومت

الجزایر به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای شمال آفریقا نیز طی چند دهه گذشته همواره حامی گروه‌های مقاومت فلسطینی بوده و این مسئله را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های منطقه‌ای آن به خوبی نشان داده است.

3-1. سیاست الجزایر در قبال گروه‌های مقاومت فلسطینی

همان‌طور که اشاره شد، نگاه ضدصهیونیستی در میان جوامع شمال آفریقا از عمق بالایی برخوردار است. در این میان، الجزایر از مهم‌ترین کشورهای منطقه است که نگاه ضد صهیونیستی و ضد استکباری از ویژگی‌های برجسته مردم آن محسوب می‌شود. مردم الجزایر به‌عنوان کشوری که تاریخی طولانی در مبارزه با استعمار و

اشغالگری و مقاومت در مقابل فرانسوی‌ها دارد، توجه ویژه‌ای به مسئله فلسطین نشان می‌دهند. این کشور از زمان استقلال، از حامیان اصلی فلسطینیان و مقاومت آنها در مقابل رژیم صهیونیستی بوده و از مبارزات سازمان آزادی‌بخش فلسطین و جنبش فتح در دهه 70 و 80 میلادی حمایت کرده است. براساس نظرسنجی‌هایی که مؤسسه‌های «پیو» یا «دوحه» منتشر کرده‌اند، مردم الجزایر بیشترین همراهی را با مردم فلسطین دارند. (نکویی، 1395) الجزایری‌ها در تمام کشورهای مقیم هستند حتی از خود فلسطینیان نیز توجه بیشتری به موضوع فلسطین، مقاومت فلسطین و آرمان فلسطین نشان داده و فعالیت‌های متعددی را برای این منظور سازماندهی می‌کنند. هر الجزایری، جمله معروف «نحن مع فلسطین؛ ظالما او مظلوما» را بیان می‌کند؛ یعنی الجزایر از فلسطین چه مظلوم و چه ظالم دفاع می‌کند و از آن کنار نخواهد کشید. (نکویی، 1395) افکار عمومی الجزایر بدون اینکه توجهی به نظام سیاسی داشته باشد یا اینکه دستوری از ناحیه آن دریافت کند، نسبت به مسئله فلسطین و مقاومت در مقابل اشغال‌گری موضع‌گیری می‌کند. (شراب، 2016) این حمایت مردمی باعث شده است دولت الجزایر نیز به دنبال تقابل با افکار عمومی و مردم نباشد و در موارد متعددی نشان داده است که به موضوع مقاومت و حمایت از گروه‌های مقاومت اهمیت می‌دهد. تاریخی که دو کشور تجربه کرده‌اند، به تداوم روابط و پیوندی که بین جامعه الجزایر و فلسطینیان وجود دارد، نیز کمک می‌کند. الجزایر به‌عنوان کشوری که استعمار فرانسه را تجربه کرده است، سختی‌های ملت فلسطین را به خوبی درک می‌کند.

الجزایر از زمانی که جنبش فتح تشکیل شد به آموزش نیروهای سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) کمک و کمک‌های نظامی و تسلیحاتی خود را به این سازمان ارائه کرد. ارتش الجزایر در جنگ‌هایی که در فاصله زمانی 1967 تا 1973 بین اعراب و رژیم صهیونیستی درگرفت، شرکت کرد. بیشترین نمود این واقعه، تقابل نیروهای الجزایری با تانک‌های اسرائیلی در بندر ادیبه مصر در جنگ رمضان



1973 بود. براساس گزارش‌های نظامی و امنیتی صهیونیست‌ها که در سال 2005 از حالت محرمانه خارج شد، «دیوید بن الیعازر» و «موشه دایان» اعتراف کرده بودند که ناکامی تیپ زرهی اسرائیل در نبرد بندر ادیبه به واسطه دامی بود که نیروهای الجزایری برای آنها گذاشته بودند. در جریان این نبرد، نیروهای الجزایری یک هواپیمای مدل گالکسی امریکا و یک جنگنده امریکایی را ساقط کرده و دو هواپیمای دیگر را هدف قرار دادند. (ایسر، 2016) الجزایر در دوران «هواری بومدین»، نیروهای داوطلبی را در سال 1982 به لبنان اعزام کرد تا پس از حمله صهیونیست‌ها به این کشور در کنار سازمان آزادی‌بخش فلسطین بجنگند. پس از مذاکرات اسلو (1988) با موضوع تشکیل کشور فلسطینی، الجزایر کشوری بود که به تشکیلات خودگردان فلسطین کمک مالی کرده و سفارت دائمی فلسطین را در الجزیره تأسیس کرد. این کشور تا کنون، موضع خود را نسبت به این مسئله در خفا و آشکار تغییر نداده است. همواره این جمله هواری بومدین، رئیس‌جمهور اسبق الجزایر که «الجزایر از فلسطین چه مظلوم و چه ظالم دفاع می‌کند»، مورد تأکید دیپلمات‌های الجزایری در محافل مختلف است.

در فوریه 2016، مسابقه فوتبال دوستانه‌ای بین تیم‌های فوتبال المپیک الجزایر و فلسطین در ورزشگاه «5 ژوئیه» الجزیره برگزار شد که حدود 70 هزار الجزایری از آن استقبال کردند تا نشان دهند به موضوع فلسطین و حمایت از مقاومت مردم آن اهمیت می‌دهند. موضوع حمایت از فلسطینیان، زمانی خود را نشان داد که تیم فوتبال فلسطین یک گل به ثمر رساند و جمعیت حاضر در ورزشگاه، یک صدا این تیم را تشویق کردند. (الیوم السابع، 2016) این مسابقه فوتبال دوستانه به بهانه‌ای برای تظاهرات ضد اسرائیلی و حمایت از آرمان فلسطین تبدیل شد و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های عربی یافت. (الخبر، 2016). در حالی که برخی از کشورهای عربی از ورزش برای میزبانی اسرائیلی‌ها در اراضی خود استاده می‌کنند، الجزایر برای سرمربی اسرائیلی تیم ملی غنا

روادید صادر نکرد. (Time of Isreal, 2016)

در سپتامبر 2016، وزارت آموزش و پرورش الجزایر به صورت سهوی یا عمدی در نقشه‌ای در کتاب جغرافیای سال اول متوسطه به جای واژه «فلسطین» از واژه «اسرائیل» استفاده کرد که واکنش‌های تند شبکه‌های اجتماعی را به دنبال داشت. بخشی از این انتقادات متوجه «نوریه بن غبریت»، وزیر آموزش و پرورش این کشور بود که از سوی برخی متهم شده بود در جهت عادی‌سازی روابط بین الجزایر و رژیم صهیونیستی حرکت می‌کند. این اقدام در حالی صورت گرفت که در تمام نقشه‌های دستگاه‌های دولتی الجزایر، چیزی به نام اسرائیل به رسمیت شناخته نشده و به جای آن از واژه فلسطین استفاده می‌شود. پس از واکنش‌های تند افکار عمومی نسبت به این موضوع، وزارت آموزش و پرورش الجزایر اعلام کرد که تمام کتاب‌هایی که با نقشه مورد بحث منتشر شده است از بازارها جمع‌آوری و از ناشر آن خواسته شده است که آن را اصلاح کند. این وزارت‌خانه به این اندازه هم بسنده نکرد و اعلام کرد مسئولیت اقدامی که صورت گرفته، متوجه ناشر این کتاب است و وزارت آموزش و پرورش در این خصوص تحقیقاتی انجام خواهد داد. (عربی، 2016) واکنش‌های تند افکار عمومی جامعه الجزایر نسبت به استفاده از واژه «اسرائیل» در نقشه فلسطین باعث شد احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی مختلف نیز نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند. معارضان سیاسی الجزایری که در واقع احزاب اسلام‌گرا هستند، خواستار برخورد با وزیر آموزش و پرورش و استعفای او شدند. (هیام، 2016)

در مجموع، الجزایر طی دهه‌های گذشته، همچنان بر موضع‌گیری خود به نفع فلسطین پای‌بند مانده و مسئله فلسطین در باطن و وجدان مردم الجزایر فراموش نشده است. همچنین این کشور در شرایط مختلف و در همه محافل بین‌المللی، تکیه‌گاه محکمی برای فلسطینیان بوده است.



3-2. مواضع الجزایر در قبال گروه‌ها و کشورهای جبهه مقاومت در منطقه

الجزایر علاوه بر حمایت از گروه‌های فلسطینی، تلاش کرده است در رقابت‌های منطقه‌ای بین کشورهای محور مقاومت و کشورهای سازشگر منطقه، جانب محور مقاومت را بگیرد و به رغم فشارهای عربستان برای همراه ساختن این کشور با خود، حمایت‌های خود را از جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های آن در حوزه سوریه، یمن و حزب‌الله را نشان داد.

- روابط با جمهوری اسلامی ایران

خاطره تاریخی ایرانیان از الجزایر مربوط به پیمان مهم و تاریخی الجزایر میان ایران و عراق و مشخص شدن مسائل مرزی و تعیین تکلیف مسئله اروندرود است؛ امری که با چراغ سبز ایران و به ابتکار الجزایر صورت گرفت. اگرچه رابطه الجزایر با ایران از آغاز تشکیل این کشور، رابطه حسنه‌ای بوده و ایران از نخستین کشورهای است که در سال 1341 و بلافاصله پس از استقلال الجزایر از فرانسه، آن را به رسمیت شناخت اما این کشور در دو برهه علیه ایران مواضع خصمانه‌ای اتخاذ کرد که به سردی روابط انجامید. موضع‌گیری علیه اعمال حاکمیت ایران بر جزایر ایرانی سه‌گانه در خلیج فارس و حملات شدیدالرحن به ایران در اجلاس کشورهای غیرمتعهد در سال 1352 به فراخواندن دیپلمات‌های ایرانی از این کشور منجر شد اما الجزایر در سال 1353 و با میانجی‌گری بین ایران و عراق که منجر به امضای قرارداد 1975 شد، به ترمیم روابط خود با تهران پرداخت. پس از انقلاب اسلامی نیز با خروج ایران از مدار غرب، رابطه بهتری با ایران برقرار کرد. ایران در مسئله «صحرای غربی» از الجزایر حمایت کرد و این کشور نیز در جنگ عراق علیه ایران، تا حدودی حامی ایران بود. (زینعلی، 1394)

الجزایر درست در شرایطی که بسیاری از کشورهای منطقه به‌عنوان عامل محرک حزب بعث عراق در تجاوز نظامی به خاک ایران عمل می‌کردند و گاهی پشتیبان آن بودند، گامی به جلو نهاد و درصدد بود با میانجی‌گری بین دو کشور

به این جنگ خاتمه بخشید. این نخستین بار نبود که الجزایر به ایفای نقش میانجی‌گرانه به منظور حل بحران‌های منطقه پرداخته بود. پیش از این نیز در 29 دی 1359، دولت الجزایر که در آن زمان نقش حافظ منافع ایران در ایالات متحده را برعهده داشت، توانست طی یک میانجی‌گیری به بحران به وجود آمده ناشی از اشغال سفارت آمریکا در ایران خاتمه دهد و با امضای سه سند بین دو کشور که به «بیانیه الجزایر» شهرت یافت، زمینه آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا در تهران و همچنین تأسیس دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا را برای حل و فصل دعاوی بین دو کشور فراهم کرد. (البرز، 1394)

با این حال، این رابطه خوب و تازه شکل گرفته نزدیک به یک دهه بعد رو به وخامت گذاشت و با اتهاماتی که مقامات این کشور علیه ایران و دخالت در امور داخلی الجزایر مطرح کردند، دوره‌ای از قطع کامل روابط دیپلماتیک بین دو کشور از 1371 آغاز شد. دیدار رؤسای دو کشور در سال 1379 و در حاشیه اجلاس هزاره در سازمان ملل متحد، منجر به از سرگیری روابط شد. (زینعلی، 1394) بعد از برقراری مجدد روابط دو کشور، همواره نگاه تعاملی و حمایتی از سیاست‌های یکدیگر، بین دو کشور حاکم بود. الجزایر بارها از حق ایران برای دستیابی به انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، دفاع و در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی از مواضع ایران حمایت کرده است. الجزایر و ایران در طیف وسیعی از مسائل بین‌المللی با یکدیگر دارای افکار و عقاید مشترکی بودند و مذاکرات و هماهنگی‌های نزدیکی را در رخدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی با یکدیگر دارند. هر دو کشور تأکید دارند که جامعه جهانی باید اصلاحاتی را در نظام سازمان ملل انجام دهد، در برابر سوءاستفاده‌های سیاسی از موضوعات مرتبط با حقوق بشر ایستادگی کند، به ایجاد توازن میان ارکان معاهده منع تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و فوریت ایجاد منطقه عاری از تسلیحات کشتار جمعی در خاورمیانه، مبادرت و از دخالت‌های خارجی در امور داخلی کشورها و مداخله‌های نظامی در این امور خودداری کند، حامی



حل و فصل مناقشات داخلی و خارجی از طریق گفت‌وگو و راه‌های مسالمت‌آمیز باشد، از مبارزات فلسطینیان حمایت کند و خواستار یک راهبرد جهانی در راستای مبارزه با تروریسم و تمامی اشکال افراط‌گری باشد. (قاسمی، 1394)

در سطح اقتصادی نیز الجزایر و ایران، دو شریک اصلی در زمینه تولید و بازاریابی برای نفت و گاز هستند و دو عضو مهم سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و انجمن کشورهای صادرکننده گاز محسوب می‌شوند. این دو کشور در راستای ثبات بازار نفت و حفظ منافع کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز با رعایت شرایط و نیاز بازار تلاش می‌کنند (مرادی، 1394) لذا دارای اهداف مشترکی برای برقراری ثبات در قیمت نفت در بازارهای جهانی بوده و با همکاری یکدیگر در قالب سازمان اوپک تلاش می‌کنند این هدف را محقق کنند.

– بحران سوریه

در مسئله بحران سوریه، الجزایر برخلاف مواضع اکثر کشورهای عربی عمل کرد. این کشور نسبت به تحولات سوریه نیز موضع روشنی به نفع محور مقاومت اتخاذ کرد. هر چند دولت سوریه به صورت سنتی از هم‌پیمانان و دوستان الجزایر تلقی می‌شود، حفظ این رویه در شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای از اهمیت فراوانی برخوردار است. الجزایر از مشروعیت بین‌المللی سوریه و حل و فصل سیاسی بحران این کشور توسط خود سوری‌ها حمایت کرد. همچنین ضمن خودداری از فراخوان سفیر خود از دمشق در نوامبر سال 2011 از حضور سفیر سوریه در الجزایر حمایت کرد و اکنون دو کشور دارای روابط رسمی سیاسی در سطح سفیر هستند. «عبدالمنعم احریز»، سفیر الجزایر در ایران درباره روابط الجزیره و دمشق به ویژه طی چند سال گذشته اظهار می‌کند: «دو کشور الجزایر و سوریه، روابط خوبی دارند و الجزایر به شدت از طرح برهم زدن امنیت و ثبات سوریه که در نهایت به دنبال در هم شکستن محور مقاومت و تأمین آتیه رژیم صهیونیستی

است، متأثر و متأسف است». (مرادی، 1394)

مقامات ارشد الجزایر بارها از موضع‌گیری اتحادیه عرب نسبت به دولت سوریه و درخواست‌های آن از شورای امنیت مبنی بر دخالت علیه سوریه یا دخالت ائتلاف ناتو در نابودی توانمندی‌های کشورهای عربی انتقاد کردند. مقامات الجزایر از تأیید قطعنامه اتحادیه عرب مبنی بر لغو عضویت سوریه در این اتحادیه امتناع کردند و در کنار عراق و لبنان با اعطای کرسی به مخالفان سوریه در اتحادیه عرب مخالفت ورزیدند. دولت الجزیره همچنین با قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر محکومیت دولت سوریه مخالفت کرد. موضع‌گیری‌های اصولی الجزایر درباره سوریه با عصبانیت مخالفان سوریه و بسیاری از کشورهای منطقه مواجه شد و این کشورها الجزایر را به خروج از اصل توافق جمعی کشورهای عربی که در تصمیمات سرنوشت‌ساز خود به آن پای‌بند هستند، متهم کردند.

- حزب‌الله لبنان

نبرد حزب‌الله در جنگ موسوم به 33 روزه در سال 2006، این حزب را مایه فخر اعراب در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار داد؛ به گونه‌ای که در آن سال، سید حسن نصرالله به‌عنوان مرد سال جهان عرب تعیین شد. هم‌زمان و با افزایش محبوبیت بی‌نظیر حزب‌الله و رهبرش سید حسن نصرالله در میان ملل عربی، این جایگاه رفیع با دید منفی از سوی قاطبه رهبران عربی نگریسته می‌شد؛ تا آن‌جا که در خلال نبرد سال 2006، اتحادیه عرب حتی از انتشار بیانیه‌ای در راستای حمایت از لبنان و حزب‌الله امتناع ورزید. با این حال و به دلیل محبوبیت فزاینده حزب‌الله در جوامع عربی، رهبران این جوامع از موضع‌گیری علیه این سازمان انقلابی در طول سال‌های پس از 2006 پرهیز کردند. (حمایت قاطع ملل شمال آفریقا ...، 1395) وابستگی ایدئولوژیک حزب‌الله به جمهوری اسلامی و



نگرانی شیوخ خلیج فارس از رشد اسلام انقلابی در منطقه موجب شد سران عرب در مقاطعی علیه حزب‌الله بکوشند. آغاز بحران در سوریه و مداخله همزمان گروه‌های سلفی و تکفیری که حمایت سعودی و سایر کشورهای عربی را نیز پشت سر خویش داشتند از یک سو و حمایت ایران، حزب‌الله و برخی گروه‌های اسلامی از دولت بشار اسد از سوی دیگر، متمسکی برای محافظه‌کاران خلیج فارس شد تا تحت لوای اتهام‌زنی‌های گسترده نظیر شیعی‌گری حزب‌الله و مداخله در امور سوریه به دنبال ضربه‌زنی به این جنبش انقلابی برآیند.

عربستان سعودی در راس کشورهای عربی برای فشارها علیه حزب‌الله لبنان بوده و می‌باشد. بعد از روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز بر دامنه اقدامات فرقه‌گرایانه و منفی سعودی‌ها نیز افزوده شد؛ تا آنجا که دولت‌های عربی و گاهی اسلامی با فشارهای سعودی و آمریکایی‌ها در اقداماتی کم‌نظیر، نام حزب‌الله را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دادند و برای اعمال فشار بر این حزب در سطح داخلی لبنان، حمایت‌های مالی خود را به این کشور قطع کردند؛ امری که بیش از همه رژیم اسرائیل را منتفع خواهد کرد، زیرا اساس و بنیان تأسیس سازمان حزب‌الله برای مقابله با زیاده‌خواهی اسرائیل شکل گرفته است.

وزیران کشور اتحادیه عرب در دوم مارس 2016، متنی را به تصویب رساند که حزب‌الله لبنان را متهم به «بی‌ثبات کردن برخی از کشورهای عربی» و «رفتار و اعمال» تروریستی می‌کرد. این مقابله آشکار، نتیجه فشارهای شدید نمایندگان سلطان‌نشین شورای همکاری خلیج فارس بود که قبلاً نیز متنی در همین راستا منتشر کرده بودند. انتشار این خبر، اعتراض فوری شهروندان را در شبکه‌های اجتماعی کشورهای شمال آفریقا از جمله الجزایر به دنبال داشت. (حمایت قاطع ملل شمال آفریقا ...، 1395) دولت الجزایر، نخستین دولت عربی بود که به سرعت، این قطع‌نامه را مورد حمله قرار داد و بر موضعش در حمایت از مقاومت در برابر اشغالگر اسرائیلی تأکید کرد. «رمضان لعمامره»، وزیر امور

خارجة الجزایر گفت که کشورش رسماً از این قطع نامه تبرّی می جوید و «حزب الله، جنبشی سیاسی است که براساس قوانین این کشور فعالیت می کند. الجزایر نیز در مواضعش ثابت قدم است و هرگز در امور داخلی کشورها دخالت نکرده و نمی کند.» (حمایت الجزایر و تونس از مقاومت، 1395) الجزایری ها بر این باورند که «هواری بومدین»، رهبر سابق الجزایر بدون استثنا با پول و سلاح از همه گروه های مقاومت فلسطین حمایت کرد، اراضی اش را به روی این گروه ها و شهیدایش باز کرد، از همه جلسات مجلس ملی فلسطین (پارلمان در تبعید) میزبانی کرد و در همه جنگ های عربی علیه اشغالگر اسرائیلی با پول و سلاح شرکت کرد. بنابراین امکان ندارد مقاومت را «تحریم» و با چسباندن صفت تروریسم به آن موافقت کند (حمایت الجزایر و تونس از مقاومت، 1395).

- بحران یمن

در پی انقلاب در کشورهای عربی، تحولات یمن دو سال بعد از آغاز در سال 1390 یعنی در مرداد و شهریور سال 1393 با تسلط بر صنعا از سوی حوثی ها وارد مرحله جدیدی شد. بحران سیاسی در یمن و دخالت حکومت های منطقه در آن تا جایی ادامه دار شد که در 6 فروردین 1394 ائتلافی از کشورهای منطقه به رهبری عربستان تحت عنوان عملیات طوفان قاطع (عملیه عاصِفَه الحزم) یمن را بمباران کردند. این عملیات از دوم اردیبهشت با نام عملیات احیای امید (عملیه اعاده الامل) ادامه یافت و تا کنون هم چنان ادامه دارد.

تلاش های دولت بوتفلیقه، آرام کردن اوضاع در این کشور بوده است. الجزایر، درخواست سعودی ها از کشورهای عربی و اسلامی برای پیوستن به ائتلاف سعودی علیه یمن را رد کرد. یکی از مقامات الجزایر درباره علت نپیوستن به ائتلاف سعودی ها علیه یمن تأکید کرد: «دولت الجزایر از همان ابتدای شروع بحران اعلام کرد که این بحران جز از راه سیاسی و دیپلماتیک و حضور همه



گروه‌های یمنی در مذاکره‌ای جامع و ملی امکان‌پذیر نیست.» الجزایر از همان ابتدا گزینه نظامی برای حل بحران یمن را رد کرد، زیرا آن را مخالف اصول ارتش خود مبنی بر دخالت نکردن در هر گونه عملیات نظامی خارج از کشور می‌داند. (مرادی، 1394)

الجزایر در راستای نقش میانجی‌گری خود، طرحی پیشنهادی در زمینه آتش‌بس در یمن نیز ارائه داد. این ابتکار عمل، سه محور داشت: خروج انصارالله از صنعا (پایتخت)، بازگشت پارلمان منحل شده این کشور به کار و تضمین امنیت انصارالله و حامیان آن‌ها در یمن (الجزایر طرح آتش‌بس ...، 1394). در همین رابطه، دولت الجزایر از طرح‌های جمهوری اسلامی ایران نیز حمایت کرده است.

3-3. سیاست عدم همراهی با محور سازش (عربستان)

با توجه به موضع‌گیری‌های الجزایر در مسائل منطقه، عربستانی‌ها همواره از الجزایر گلایه‌مند بوده‌اند که از سیاست‌های الجزایر این‌گونه برداشت می‌کنند که الجزیره در صدد شکاف در اتحادیه عرب در برابر عربستان است و تمایل ندارد با سیاست‌های ریاض در موضوعات مختلف منطقه‌ای همراه شود. سعودی‌ها تلاش کرده‌اند اختلاف‌های سیاسی خود را با الجزایر، حل و فصل و این کشور را از ایران دور کنند. ریاض تلاش می‌کند با فعال کردن گفت‌وگو و کاستن از دفاع این کشور از ایران به الجزایر نزدیک شود، به‌ویژه آن‌که الجزایر یک کشور سنی مذهب است و انتظار می‌رود با کاهش هماهنگی‌ها با کشورهای شیعی ایران و عراق، در اردوگاه کشورهای سنی قرار گیرد.

به رغم تلاش مسئولان سعودی در همراه کردن الجزایر با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان، الجزایر همواره سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های سخت‌گیرانه‌ای علیه عربستان سعودی اتخاذ کرده است. الجزایر درباره مسائل منطقه و همراه نشدن با عربستان و محور سازش، عنوان کرده که مواضع این کشور اساساً با

توجه به میراث تاریخی از زمان انقلاب آزادسازی مبنی بر دخالت نکردن در امور داخلی دیگر کشورها و با استناد به قانون اساسی الجزایر صورت می‌گیرد و مشارکت نیروهای مسلح این کشور را در درگیری‌های خارج از مرزها منع کرده است. علاوه بر این، مقام‌های الجزایر از رفتارهای عربستان در سازمان اوپک گلایه داشته و آن را مسئول کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی می‌دانند. اقتصاد الجزایر به شدت به نفت وابسته است و پایین آمدن قیمت نفت را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. الجزایر بارها از مواضع ریاض نسبت به کاهش قیمت نفت انتقاد و عربستان را متهم کرده است که این سیاست را برای ضربه زدن به نظام‌های مخالف سیاست‌هایش به کار گرفته است. به گفته منابع الجزایری، عربستان سعودی سعی کرد از «برگه نفت» برای گفت‌وگو با الجزایر در پرونده‌های دیپلماتیک استفاده کند تا الجزایر را با مواضع خود به‌ویژه در مسائل مربوط به سوریه و یمن همراه سازد.

خودداری عبدالعزیز بوتفلیقه از به حضور پذیرفتن وزیر امور خارجه سعودی بیانگر این بود که الجزایر نمی‌خواهد مواضع بین‌المللی خود را برای جلب رضایت عربستان تغییر دهد حتی اگر ریاض بر ادامه مخالفت‌های خود با بررسی راهکاری برای جلوگیری از سقوط بهای نفت در بازارهای بین‌المللی پافشاری کند. لذا تلاش‌های عربستان برای استفاده از برگه نفت جهت برای تأثیر قرار دادن مواضع دیپلماتیک الجزایر بی‌فایده بود. بوتفلیقه در فوریه 2015 در نامه‌ای به پادشاه عربستان سعودی، خواستار بررسی موضوع قیمت نفت شده بود؛ ولی این نامه بی‌پاسخ ماند و هیچ تغییری در مواضع عربستان در نشست اوپک ایجاد نشد.

3-4. عوامل مؤثر بر استمرار رویکرد الجزایر در حمایت از گروه‌ها و کشورهای جبهه مقاومت همان‌طور که اشاره شد، الجزایر در حوزه اجتماعی از ظرفیت‌های بسیار مناسبی همچون عمیق بودن نگاه ضدصهیونیستی در میان مردم الجزایر، علاقه‌مندی



نسبت به گروه‌های مقاومت فلسطینی و حمایت از سایر گروه‌ها و کشورهای حوزه مقاومت، وجود فرهنگ جهاد در میان مردمان این کشور، سابقه مقاومت ضد استعماری و تنفر جامعه الجزایر از بازگشت افراطی‌گری در استمرار حمایت این کشور از گروه‌ها و کشورهای حوزه مقاومت برای حمایت از گروه‌های مقاومت برخوردار است. اما به نظر می‌رسد در مقایسه با سودان، آنچه در این میان نقش بارزتری در استمرار حمایت الجزایر از مقاومت داشته است، توانمندی‌های اقتصادی و تأثیر این مسئله در کاهش وابستگی به کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری کشورهای مرتجع عربی و عربستان می‌باشد. الجزایر، 90 درصد از درآمدهای ارزی خود را از راه فروش نفت و گاز به دست می‌آورد و به مدد همین درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز است که دولت الجزایر هر ساله، خدمات اجتماعی گران‌قیمتی را عرضه و برنامه‌های کمکی به بازنشستگان را اجرا می‌کند و به این وسیله، وفاداری شهروندان را می‌خرد.

آنچه طی سال‌های اخیر میان کشورهای آفریقایی به‌ویژه شمال آفریقا شاهد بوده‌ایم، این است که به هر میزان این کشورها از استقلال اقتصادی و بی‌نیازی مالی به کمک‌های کشورهایی چون عربستان برخوردار بودند، قدرت چانه‌زنی بالاتری در سیاست خارجی داشته‌اند و کمتر تحت تأثیر سیاست‌ها و فشار کشورهایی مانند عربستان در تحولات منطقه قرار گرفته‌اند. الجزایر به دلیل استقلال نسبی اقتصادی و وابستگی تداختن به دلارهای نفتی عربستان، تا حدود زیادی توانسته است سیاست مستقلی را از سیاست‌های منطقه‌ای عربستان در پیش گیرد. (مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 1395).

در کنار این مسئله، تحولات کشورهای پیرامون الجزایر و احساس خطر جدی این کشور از نفوذ گروه‌های تروریستی از خاک لیبی، حکومت الجزیره را نگران کرده و باعث شده است تا مبارزه با تروریسم، بخش مهمی از سیاست خارجی الجزایر را تشکیل دهد. این مسئله نیز در سال‌های اخیر باعث شده است تا روابط



و موضع‌گیری‌های الجزایر در قبال تحولات منطقه، هم راستای با مبارزه با گروه‌های تروریستی و عدم حمایت از کشورهای حامی تروریسم و عربستان متمرکز شود. این مسئله، نمود خارجی خود را در استمرار حمایت الجزایر از سیاست‌های محور مقاومت نشان داده است.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی هر کشوری از جمله کشورهای شمال آفریقا در نظام بین‌الملل، برآیند متغیرهایی در داخل و خارج از مرزهای آن کشور می‌باشد. علاوه بر متغیرهایی خارجی همچون ساخت نظام بین‌الملل، نحوه تقسیم قدرت و دیگر عواملی که در صحنه نظام جهانی، سیاست خارجی کشورها را متأثر می‌سازند، عوامل داخلی نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها بازی می‌کند. این عوامل داخلی می‌توانند متغیرهایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند که سیاست خارجی کشورها را به جهت‌گیری خاصی متمایل کرده و به آن شکل می‌دهند. به طور عمده، در میان واحدهای وابسته و توسعه‌نیافته نظام بین‌الملل، نیارهای اقتصادی باعث می‌شود متغیرهای اقتصادی بیشترین نقش را در شکل‌دهی به سیاست خارجی برعهده داشته باشند.

نقش برجسته متغیرهای اقتصادی در شکل‌دهی به سیاست خارجی در بیشتر کشورهای منطقه آفریقای شمالی قابل مشاهده می‌باشد. در این کشورها ضعف نسبی اقتصادی باعث شده است سیاست خارجی به میزان قابل توجهی، تابعی از عوامل کلان اقتصادی به شمار رود و بیش از آن که مسائل فرهنگی یا ایدئولوژیک بتوانند به سیاست خارجی جهت دهند، شرایط اقتصادی هستند که به سیاست خارجی سمت و سو می‌دهد. این خصلت، ویژگی جدایی‌ناپذیر بسیاری از واحدهای پیرامونی و وابسته نظام بین‌المللی از جمله کشورهای شمال آفریقا می‌باشد. از طرف دیگر، تبعیت سیاست خارجی از عوامل کلان اقتصادی

سبب می‌شود سیاست خارجی حتی در یک دوره خاص، از ثبات کافی برخوردار نباشد و با توجه به نیازهای مقطعی، به جهت‌گیری‌های متفاوت و گاه متضاد با گذشته روی آورد. این ویژگی به دلیل نقش پررنگ متغیرهای اقتصادی و تابع بودن سیاست خارجی از متغیرهای اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته می‌باشد که امکان جهت‌گیری با ثبات را در یک دوره مشخص از سیاست خارجی آن‌ها سلب می‌کند. البته این مدعا به معنای نفی تأثیر عوامل اقتصادی در رویکرد سیاست خارجی واحدهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه نمی‌باشد، بلکه تعیین‌کنندگی قطعی شرایط اقتصادی در شکل‌دهی به جهت‌گیری سیاست خارجی را در میان واحدهای توسعه‌نیافته بیان می‌کند.

فقر اقتصادی سودان، به عنوان کشوری توسعه‌نیافته یا آن گونه که در چارچوب نظری والراشتاین گفته می‌شود، کشور وابسته نظام بین‌الملل باعث شده است سیاست خارجی این کشور، تابعی از نیازهای اقتصادی آن باشد. رابطه تابع محوری سیاست خارجی با نیازهای اقتصادی، سیاست خارجی را متوجه منابع اقتصادی خارجی برای تأمین نیازهای داخلی ساخته و این مسئله باعث شده است سیاست خارجی سودان تغییر یابد. لذا این کشور به رغم حمایت چندین ساله خود از گروه‌ها و محور مقاومت ناچار شد به دلیل بدتر شدن وضعیت اقتصادی سودان طی سال‌های اخیر و برای عبور از این بحران داخلی که حتی می‌توانست بقای حکومت عمرالبشیر را نیز با خطراتی مواجه کند، به همراهی با سیاست‌های عربستان در منطقه و دوری از گروه‌ها و کشورهای محور مقاومت روی بیاورد. از این رو، اگرچه مؤلفه‌های متعددی در تغییر سیاست خارجی سودان نسبت به محور مقاومت دخیل بوده‌اند و این نوشتار نیز منکر آنها نیست، اما اقتصاد، نقش تعیین‌کنندگی در این تغییر را داشته است.

در میان کشورهای شمال آفریقا، لیبی (دوران قذافی) و الجزایر نیز مانند سایر کشورهای این منطقه از حامیان گروه‌های مقاومت فلسطینی و محور مقاومت

بوده‌اند. اما به دلیل درآمدهای نفتی این کشورها و بی‌نیازی آنان به کمک‌های مالی عربستان، سیاست خارجی آنها کمتر تحت تأثیر مقوله اقتصاد قرار گرفته و حداقل در مسائل مربوط به گروه‌های مقاومت فلسطینی و محور مقاومت، حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک خود را از گروه‌های مقاومت و کشورهای محور مقاومت داشته و کمترین همراهی را با کشورهای مرتجع عربی و عربستان در تحولات منطقه از خود نشان داده‌اند، هرچند در پیشانی کار عمل نکرده‌اند.

بنابر آنچه آمد، نقش برجسته متغیر اقتصادی در شکل‌دهی به سیاست خارجی در ارتباط با بیشتر یا شاید همه کشورهای شمال آفریقا قابل تطبیق می‌باشد و به میزانی که این کشورها با چالش‌ها، ضعف اقتصادی و وابستگی به کمک‌های سایر کشورها مواجه باشند، به همان میزان سیاست خارجی آنها از استقلال دور بوده و از قدرت چانه‌زنی کمتری در تعاملات با سایر کشورها بهره‌مند می‌باشند. در مقابل، کشورهایی که از استقلال نسبی در حوزه اقتصاد برخوردار بوده و نیازمندی کمتری به عربستان و سایر کشورها داشته‌اند، توانسته‌اند سیاست‌های مستقلی را در تحولات منطقه در پیش گیرند. الجزایر که یکی از کشورهای تولیدکننده نفت و عضو اوپک می‌باشد، به رغم تلاش‌های عربستان برای همراه ساختن این کشور در ائتلاف علیه یمن و سوریه، همواره سیاست نسبتاً مستقلی از عربستان و به نفع محور مقاومت اتخاذ کرده است. مخالفت با برکناری بشار اسد در سوریه، همراهی نکردن با عربستان در بحران یمن، مخالفت با تروریستی خواندن حزب‌الله لبنان و حمایت از پرونده هسته‌ای ایران، بخش‌های مهمی از مواضع این کشور طی سال‌های اخیر بوده است.

البته باید توجه داشت با اینکه درآمدهای نفتی برای الجزایر ضمن اینکه یک نقطه قوت محسوب می‌شود اما می‌تواند به دلیل وابستگی کشور به درآمدهای نفتی، نقطه ضعف برای اقتصاد این کشور نیز باشد. الجزایر از زمان استقلال خود تا کنون نتوانسته است درآمد نفت خود را به تولید داخلی تبدیل کند. این کشور



به علت فساد سیاسی و اقتصادی از کشورهای شاخصی به شمار می‌آید که مزیت اقتصادی بدون نفت ایجاد نکرده است و به محض تغییر قیمت نفت، دچار آسیب جدی می‌شود. همچنین الجزایر به دلیل همکاری‌هایی که با آمریکا و ناتو در مسائل منطقه‌ای دارد و نفوذی که آمریکا و فرانسه در این کشور دارند، قدرت مانوری برای خود در بحران‌های منطقه‌ای متصور نیست و هر گونه اقدام خارج از قاعده الجزایر در حمایت از محور مقاومت با واکنش‌های جدی فرانسه و آمریکا مواجه خواهد شد. این مسائل می‌تواند در آینده بر روی سیاست‌های مستقلانه الجزایر در حوزه خارجی و تحولات منطقه تأثیرگذار باشد.

در مجموع، الجزایر را در سطح‌بندی کنش‌گری در مسئله مقاومت باید بین سطح دو و سه (حمایت از حوزه مقاومت به صورت حمایت معنوی، سیاسی یا رسانه‌ای و روابط سیاسی نزدیک با حوزه مقاومت) در نوسان دید. این ظرفیت برای محور مقاومت بسیار مهم است و باید تلاش کرد این سطح را ارتقا داد یا حداقل آن را در سطح فعلی حفظ نمود.



منابع و مآخذ

الف) فارسی

- اسدی، فاطمه (1393). دلایل و پیامدهای کاهش سطح روابط ایران و سودان، 1393/9/4، برگرفته از: <http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items-5/%>
- البرز، عبدالمجید (1394). الجزایر، میانجی‌گر بحران‌ها، 9 اردیبهشت 1394، دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1946880/%D8>
- الجزایر طرح آتش‌بس در یمن را مطرح کرد، 9 فروردین 1394، دسترسی در: <http://www.bartarinha.ir/fa/news/190299/>
- بررسی تحولات، چالش‌ها و بحران‌های داخلی دولت اسلام‌گرای سودان (1393). گزارش ویژه، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- تابناک (1395). آمریکا تحریم‌های اقتصادی را از سودان برداشت: <http://www.tabnak.ir/fa/news/656557>
- حمایت الجزایر و تونس از مقاومت، 95/12/15، دسترسی در: <http://www.jamran.ir/%D8>
- حمایت قاطع ملل شمال آفریقا از اسد و حزب‌الله، 15 بهمن 1395، دسترسی در: <https://nahad.qiau.ac.ir/index.aspx?key=docs&id=2585>
- خبرگزاری فارس (1395). چگونگی لغو تحریم‌های آمریکایی علیه سودان از زبان مقامات این کشور، 95/10/26، برگرفته از: <http://www.farsnews.com/13951026001430>
- خبرگزاری فارس (1395). مقام سودانی: عربستان نقش بارزی در کاهش تحریم‌های آمریکا داشت، 95/10/25، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/13951025000226>
- خبرگزاری فارس (1395). خروج سودان از محور ایران در ازای لغو تحریم‌های آمریکا بود: <http://www.farsnews.com/13951030001241>
- زینعلی، شاهین (1394). پیوستن الجزایر به محور تهران - مسکو؛ ضلع جدید ائتلاف، هفته‌نامه دولت و ملت، شماره 11، دسترسی در: <http://mellatmag.com/news/5147/%D9>
- عمویی، رضا (1395). روابط حکومت سودان با گروه‌های مقاومت فلسطینی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، شماره 130، 16 فروردین 1395.
- قاسمی، مصطفی (1394). مواضع الجزایر در قبال تحولات منطقه، هفته‌نامه بدر، شماره 49، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- مرادی، عاطفه (1394). تشریح تازه‌ترین تحولات منطقه و مواضع الجزایر، گفت‌وگو با عبدالمنعم احریز (سیر الجزایر در ایران)، 12 شهریور 1394، دسترسی در: <http://basirat.ir/fa/news/278789>
- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور (1395). ظرفیت‌شناسی اجتماعی و سیاسی الجزایر در جهت تقویت محور مقاومت، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 95/11/5.
- نکویی، سید احمد (1395). ظرفیت‌شناسی اجتماعی و سیاسی الجزایر در جهت تقویت محور مقاومت، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، 5 بهمن 1395.
- وزارت خارجه الجزایر: حزب‌الله در ایجاد موازنه قوای لبنان سهم دارد، 14 اسفند 1394، دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/81989192/>



- ویکیلیکس: سودان به چه بهایی فلسطین را فروخت؟ (1394/11/25) قابل دسترسی در:

<http://middleeastpress.com/blog/%D9>

ب) عربی

- ایسر، عمیره (2016)، الجزائر ودعم القضية الفلسطينية، شبكة الحرية الاعلامية، نشر بتاريخ 2017/01/30:

<http://www.hr.ps/articles/102986.html>

- السعودية.. سودانيون خائفون من الترحيل، (3 أبريل 2013)، بر گرفته از:

<http://www.skynewsarabia.com/web/article/170606>

- شراب، فهمی (2016)، نکتب من فلسطین.. إنها الجزائر، شبكة الحرية الاعلامية:

<http://www.hr.ps/articles/page-101113.html>

- الخبر (2016)، الإعلام العربي ينهر بالجمهير الجزائرية:

<http://www.elkhabar.com/press/article/100720/#sthash.jXAg5ybF.dpbs>

- الخليج يتجه إلى السودان باستثمارات مليارية.. فما السبب؟ (25 می 2016):

<http://www.sasapost.com/gulf-heading-to-sudan-billion-investments-why/>

- عربی 21 (2016)، وضع إسرائيل بدل فلسطین بمناهج الجزائر.. والوزارة تراجع:

<https://arabi21.com/story/947036/>

- هیام، ل (2016)، خطأ أم جريمة؟.. بن غبريط تقسم الأحزاب، الصوت الاخر:

<http://www.assawt.net/2016/09/>

- اليوم السابع (2016)، الجزائر تصفع إسرائيل عبر بوابة «الساحرة المستديرة».. شعب المليون شهيد

يحتشد لنصرة القضية الفلسطينية في «5 يوليو».. استقبال الأبطال لمنتخب فلسطین.. ورواؤه يتعهد بدعم

أبناء «الفدائي»:

ج) منابع لاتین

- Guardian Africa network (2016), Why has Sudan ditched Iran in favour of Saudi Arabia?, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2016/jan/12/sudan-siding-with-saudi-arabia-long-term-ally-iran>, 2016.

- Herzberg, Anne (2010), NGO Monitor, NGO Monitor Submission to the International Criminal Court Office of the Prosecutor Regarding the "Situation in Palestine", October 24, 2010, Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1697087

- Muslih, Muhammad (2017), The Foreign Policy of Hamas, council on foreign relations, New York.

- Peretz, Martin (2009), Mahmoud Abbas Visits His Comrade, Omar al-Bashir, THE NEW REPUBLIC, Available at: <https://newrepublic.com/article/68556/mahmoud-abbas-visits-his-comrade-omar-al-bashir>, August 20, 2009.

- State Dept. (2016), Hamas still raising funds in Sudan, Available at: <https://moneyjihad.wordpress.com>, 2016/07/28



- Sudan - Foreign Relations (2014), Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/sudan/forrel.htm>, 22-10-2014.
- Sudan - Iran Relations, Available at: <http://www.globalsecurity.org/military/world/sudan/forrel-ir.htm>, 05-01-2014.
- Sudan severs diplomatic ties with Iran, Available at: <http://www.sudantribune.com/spip.php?article57584>, 5 January 2016.
- Sudan's foreign policy: Pragmatism wins over ideology (2015), Available at: <http://www.sudantribune.com/spip.php?article54502>, 5 April 2015.
- Time of Isreal (2016), Algeria nixes soccer match over Ghana's Israeli coach, Available at: <https://www.timesofisrael.com/algeria-nixes-soccer-match-over-ghanas-israeli-coach/> 6 July 2016.
- The New Arab (2015), Sudanese president cuts ties with Islamist allies, Available at: <https://www.alaraby.co.uk/english/politics/2015/2/28/sudanese-president-cuts-ties-with-islamist-allies>, February 28, 2015.
- US Sanctions on Sudan and the Gum Arabic Exemption (2016), Available at: <http://www1.american.edu/ted/gumarab.htm>
- www.cia.gov/library/publication/the-world-factbook/su.html, 2016.

